

نوریان در غربت نشسته



نوشته: محمدضیا، ضیا

طوری‌که در نوشته قبلی پیرامون (فرهنگ به مثابه ابزار زنده گی برای انسانی زیستن) مختصراً پرداختیم و گفتیم که شکل یابی فرهنگ در شخصیت انسان محصول استعداد، زمان، مکان، آموزش و سایر عوامل محیطی و اجتماعی می باشد که بر مقیاس همین معیارها هرکس خود، اطرافیان و هر چیز یا شخص دیگر را به ارزیابی میگیرد، آن وقت بر وفق سنجش هایش عکس العمل نشان می دهد.

کرامت انسان در هر زمان به جایگاه خودش محفوظ است. اما این شخصیت اوست که با معیار های دانش، هنر، فرهنگ و همچنان با معیار های اخلاقی چون صداقت، شهامت، انسان دوستی و نامحدود خصایل برارنده دیگر تقدیر می شود و بر مینای همین خصایل در اجتماع مورد توجه قرار می گیرد. اینجاست که دین، اخلاق، حقوق، ادبیات، آموزش و پرورش... نیز به ستایش آن پرداخته، چنانچه در قرآن کریم آمده: " آیا کسانی که میدانند با کسانی که نمی دانند، برابر اند؟". کشور ما بخشی از خانواده بزرگ انسانی درین کره خاکبست. این سر زمین زادگاه دانشمندان، هنرمندان، قهرمانان، پیشکسوتان و سایر افتخار آوران در عرصه های مختلف بوده، چنانچه روند کمی و کیفی این عرصه ها در برهه های مختلف زمان با فرازها و نشیب ها مواجه شده است. اما با تاسف که در حال حاضر، ارزشهای علمی، هنری و فرهنگی افراد و کتله های بزرگ مردم ما چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور متأثر از اوضاع نا هنجار یست که از آغاز کودتای ثور به این سو دچار سرخورده گی ها و پریشانی ها شده است. به این معنی که برخ عظیم هم میهنان ما به جای آنکه به دانش اندوزی و هنر اندوزی و به سوی فردا های بهتر و همگام شدن با ترقی و تمدن جهانی چشم بدوزند؛ برخلاف، به این فکر میکنند: چطور زنده بمانیم؟ چطور زنده گی کنیم؟ به کجا برویم؟ سرنوشت خود ما، فرزندان ما و کشور ما به کجا خواهد رسید؟

در قبال آنکه عده یی را دغدغه های فکری بالا آزار میدهد، انبوه دیگر ظاهراً خود را مکتب خوانده!!، روشنفکر!!، باسلیقه، شیک پوش، با مُد روز برابر ... و درآمد خوب تصور میکنند، اما به دانش و دانشمند، هنر و هنر مند، فرهنگ و با فرهنگ و سایر پدیده های انسانی و انسان ساز، نه اهمیت میدهند و نه از معنای زنده گی بهره می یابند. به این معنی که همچو کسان در فقر معنوی گرفتار اند. بناءً دانشمندان، هنر مندان و شایسته گان ما خوب میدانند و هرگز ناراحت نمی شوند که چرا بخش بزرگ جامعه به آنها وقعی نمی گذارند. این نکته نیز قابل توجه است؛ اگر دانش و فرهنگی هم نزد برخی کسان وجود داشته باشد، آنهم در لایه هایی از خود محوری ها، پول اندوزی ها، حسادت ها، تجملات، خود نمایی ها و به من چی ها پیچ خورده است. لذا دانشمندان، هنرمندان، فرهنگیان و نخبه گان از همچو مردم و همچو جامعه گله و شکایه ای ندارند .

شاید بیان این حقیقت جسارت تصور شود، اما پرسش هفته نامه " افق " این است :
ما در کمونیتی خود در سیدنی و سایر ایالت های استرالیا، ده ها و بیشتر از آن شخصیت های علمی، هنری، فرهنگی و همچنان قهرمانان معرکه جهاد (نه جهاد فروشان)، ورزش کاران، صنعتگران ... داریم. آیا حق احترام، حمایت و رسیدگی های لازم را که هر کدام آنها به گردن ما دارند به جا آورده ایم؟ چه تعداد، آن ها را می شناسند؟ چه تعداد با آنها رابطه

دارند؟ چه تعداد آنها را حمایت کرده اند؟ چه کسانی در هنگام دلالتگی ها، مریضی ها و نیاز مندیهای شان خود را رسانده اند؟ آیا ندیده ایم که جای همچو شخصیت های عالیقدر و عالیمقام را در محافل اجتماعی، رایزنی ها، عروسی ها و هر جای دیگر، هرزه مردان پولدار، صاحب رسوخ های نامیمنت، دعوا جلابان و حرافان بی مایه پُر ساخته است؟ اینکه مردم ما شامل افراد، خانواده ها، نهاد های اجتماعی و هر کس دیگر، با این دسته گل‌های جامعه که آنها عمر شان را در راه خدمت به وطن و مردم وقف کرده اند، چگونه برخورد کرده اند و یا خواهند کرد، باز هم مربوط به شخصیت و ظرفیت دانش دوستی، هنر دوستی و فرهنگ دوستی شان میگردد .

آنچه درین راستا اندکترین ادای دین را هفته نامه "افق" می تواند انجام دهد و انجام داده است؛ همانا : معرفی ها، هم صحبتی ها و قدر شناسی های دانشمندان، هنرمندان، فرهنگیان، نخبه گان، جوانان و نوجوانان ممتاز و کاسبان پیشتاز (طلاپنجه های شهر) مربوط به جامعه افغانی ما می شود که حتی الوسع درین امر مبادرت ورزیده ایم . لیکن این مبادرتها به هیچ صورت در برابر شخصیت های قابل قدر، بسنده نیست.

یک بار دیگر هفته نامه افق به سهم خود از خود شخصیت های محترم علمی، دینی، هنری، فرهنگی، اجتماعی ... همچنان از خانواده ها و دوستان و سایر کسانی که همچو عالیقدران را می شناسند احترامانه تقاضا میکند، حد اقل لطف بفرمایند، در معرفی همچو شخصیت های عزیز به هفته نامه "افق" با ما یاری رسانند .

درین هفته در شماره (225) ، صفحه (پنج) نوشته یی در باره استاد گرانمایه پوهاند ولی محمد رحیمی یکتن از استادان سابقه دار دانشگاه کابل که عمر عزیزش را در تربیت جوانان دانشگاهی وطن سپری کرده اند و اینک در سیدنی در حال مریضی قرار دارند، یادی کرده ایم که شما را به خوانش صحبت های شان در هفته بعد دعوت میکنیم.